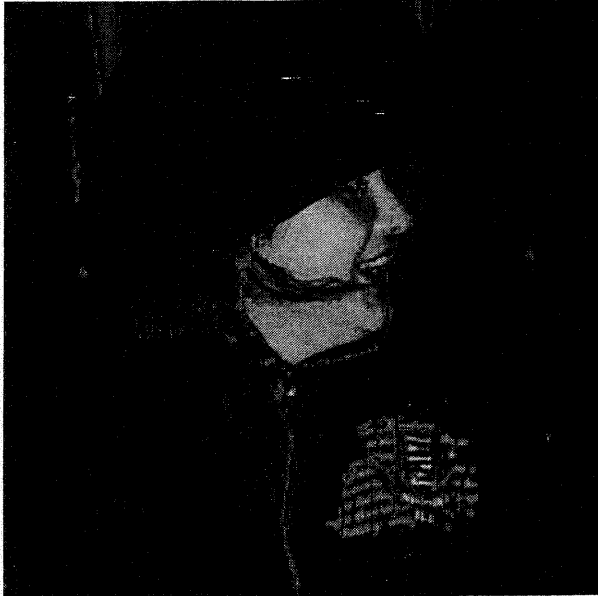




## Crazed subway 'pusher' says she did so because she thought victim was Muslim

By JAMIE SCHRAM, LARRY CELONA and DAN MACLEOD

Last Updated: 4:52 PM, December 30, 2012



The crazed woman who shoved a Queens immigrant to his gruesome death in front of a subway train told cops yesterday that she did so because she thought he was a Muslim, authorities said.

Erika Menendez, 31, was charged with second-degree murder as a hate crime after admitting to investigators that she pushed Sunando Sen, 46 — a Hindu — in front of a 7 train in Sunnyside on Thursday night, officials said.

نوشته: نورالله گبای  
babanouri.com

### تصور کردم مسلمان است

روز پنجشنبه بیست هفتم دسامبر 2012 جوانی 46 ساله هندی به نام Sanando Sen در ایستگاه ترن زیرزمینی نیویورک در انتظار رسیدن ترن ایستاده بود که ناگهان زنی دیوانه یا عاقل آلوده به تنفر دینی، ظاهراً لاتین تبار، به نام Erika Menendes (به شرح پیوست) او را از پشت سر هل داد به زیر چرخ های آهنین ترن در حال حرکت، آن بدبخت بدون آن که فرصت دفاع داشته باشد در زیر چرخ های ترن قطعه قطعه گردید و قاتل مانند کاهی در دریای جمعیت بیست میلیونی نیویورک ناپدید شد.

روز بعد پلیس نیویورک از طریق دوربین فیلم برداری محل حادثه، زن قاتل را شناسائی و دستگیر نمود. در اولین بازجویی قاتل در جواب سوال بازجو که می پرسد چرا این عمل غیر انسانی را انجام دادی؟ می گوید تصور کردم مسلمان است؟!

نکته ای که می تواند برای پیروان هر یک از ادیان پیش آید. به طوری که به رای العین در این مورد و میلیون ها موارد دیگر دیده شده و می بینیم، چیزی که قاتل را وادار به جنایت نموده نفرت دینی است و پای فرد، حتی شناسائی مظلوم یا مظلومان صغیر و کبیر در میان نبوده و نیست. چون به باور موروثی دینمداران بی شمار، همانقدر که پیرو دین دیگری باشند، تبعیض ورزیدن با ایشان واجب خواهد بود.

صد افسوس که بسیاری از نکاتی را که پیروان ادیان حُسن می پندارند به تعبیر عقل سلیم و علوم روز، نقاط ضعف آنهاست، و دلایل عقب ماندگی ها و تحمل مصیبت ها را نمی دانند. شاعر چه زیبا گفته است:

آئینه ات دانی چرا غماز نیست؟  
زانکه، ز نگار از رخس ممتاز نیست  
رو تو زنگار، از رخ آن پاک کن  
بعد از آن، آن نور را ادراک کن

به یاد واقعه دلخراش سال 1492 اسپانیا افتادم که سال ها قبل یکی از مورانوهای اسپانیا در خاطرات خود نوشته بود.

زمانی که به دستور پادشاه ملعون اسپانیا، یهودیان و مسلمانان را از اسپانیا به ناکجا آباد! اخراج می کردند.

گروهی از اخراجی ها به همراه کودکان و خانواده خویش بلا تکلیف و بدون هدف، گرسنه و تشنه در حالی که در کنار ساحل ایستاده بودند و مورد آزار و اذیت مسیحیان مدعی ترویج محبت! قرار داشتند.

کشتی بزرگی کناره می گیرد و ملوان می گوید همه سوار شوید. بخت برگشتگان به گمان فرشته نجات، سوار کشتی می شوند و کشتی حرکت می کند و بعد از چند روز خالی برمی گردد. از کاپیتان مسیحی تعلیم یافته کلیسای آن روز، سؤال می کنند این همه مسافران را کجا پیاده کردی؟ در جواب می گوید: در یک جزیره بی آب و علف در میان اقیانوس! سؤال می کنند آیا جز ارثیه ای به نام دین تقصیری داشتند؟

آیا آنها را می شناختی؟ آیا آنها خیانتی به تو کرده بودند؟ فقط در جواب می گوید خیر. مسیحی نبودند. این همان تصور کردم مسلمان است چه نفر چه یک میلیون نفر، مگر تروریست های تاریخ قربانیان خودی و غیر خودی را شناختند و می شناسند؟

آری این واقعه به اتفاق میلیون ها وقایع مشابه از جمله فجایع ایرلند، هندوستان، بوسنی، ترکیه، هولوکاست و واقعه 9-11 (مرکز تجارت جهانی نیویورک) همه و همه ریشه در نکبت نفرت دینی، حتی فرقه ای پیرو یک دین مشترک داشته و دارند که وضع داخلی ممالک دچار چند دستگی دینی و فرقه ای درگیر در جنگ های گوناگون موجود، نمونه کوچک زنده آنست.

روزی بر علیه این دین و فرقه، دگر روز بر علیه آن دین و فرقه، و هر روز بر علیه خویش، که مرتباً ناظر آنها هستیم، مروجین نفرت ادیان، بدون آن که درک کنند، چاه کن همیشه در ته چاه است و آنان که باد می کارند طوفان درو خواهند کرد دائماً به استناد نوشته های دینی خود، در ترویج نفرت دینی در لباس ترویج دین کوشش می کنند. و آن را دینداری می نامند در حالی که نوشته تا آنجا مقدس است که به سود یگانگی و رستگاری نوع بشر باشد نه ابزار بسط نفرت.

چاره چیست؟ شرح وقایع و انتقاد فاقد ارائه راه حل عملی، تکرار روضه عزاداری های وقایع گذشته است، به بینیم منبع لایزال نفرت مژمن دینی جهانی کجاست؟ و چگونه می توان بتدریج آن را از میان برداشت تا روزی نگویند تصور کردم مسلمان یا یهودی یا مسیحی، بهائی، بودائی و زرتشتی و هندو و پیرو این فرقه یا آن فرقه است؟ عجب از گمراهان نیست، عجب نقص را دیدن و نشناختن است. آیا فجایع دیروز امروز دنیا که ریشه در نفرت دینی داشته و دارد بازده نوشته های مکرر مروجین نفرت دینی نبوده و نیست؟ تا کی می توان ناظر بی اختیار ماند؟ آری این تعصب منفور دینی و بی تفاوتی در مقابل آن است که تعصب و تنفر متقابل مکرر به وجود آورده و می آورد و دودمان های طرفین ظالم و مظلوم را، به گواهی تاریخ ادیان، و اخبار روزانه به باد داده و می دهد. منظره تأسف بار همه ممالک دچار منازعه را ملاحظه کنید. همه و همه ریشه در نفرت دینی و فرقه ای دارد و نکبت نفرت، نیز ریشه در کتاب های دینی، خاصه کتاب های درسی مدارس و تبلیغات مروجین متعصب ادیان دارند و مردمان می میرند ولی کتاب ها به عنوان الگو باقی مانده و می مانند و خود صدمه دیده گان ادیان، تحت عنوان حفظ هویت به قیمت جان خود از آنها نگه داری و به نسل بعد منتقل می فرمایند! و توجه ندارند هیچ نوشته ای آنقدر مقدس نیست که نتوان درباره آن بحث کرد و با زمان اجرا تطبیق داد، افسوس که کلمه تعصب تنها متشکل از چهار حرف نیست، تعصب خیلی خیلی حرف دارد که یکی از هزاران آن مطلق اندیشی است. در حالی که چه زیبا گفته اند:

## جهد کن تا پير عقل و دين شوی

### تا چو عقل کل، تو باطن بين شوی

کتاب مذهبی یهود حاوی بدگویی از سایر ادیان نیستند، چون در 3300 سال قبل، به این معنی دینی نبوده که از آن نامبرده باشند تا الگوی تنفر قرار گیرد. قرن ها از تاریخ جنگ های چند صد ساله صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان می گذرد که دیگر جنگ رسمی دینی بین ادیان مختلف روی نداده است (گو این که بعضی معتقدند هنوز ادامه دارد) در حالی که وقتی به عمق دلائل ناامنی ها و جنگ های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی دیروز و امروز دنیا می نگریم جای پای ننگین نفرت دینی و فرقه ای آشکارا دیده می شود و گرچه جنگجویان ملعون تاریخ معدوم شده اند ولی الگوی مورد استناد ایشان یعنی کتاب های گوناگون مذهبی مروج نفرت متقابل ادیان و فرقه ها و منافع سودجویان آنها باقی و به استناد آنها هر از گاهی در گوشه ای از دنیا شعله نفرت های دینی و فرقه ای زیانه می کشد و خشک و تر و خودی و بیگانه را می سوزاند و جنگ انسان با انسان در لباس دین ادامه دارد. چرچیل مانند مدعیان ترویج دین در لباس نفرت دینی، گفته بود.

ما دوستان دائمی نداریم، منافع دائمی داریم آری مروجین نفرت منافع پایان ناپذیر دائمی دارند و دین بهانه و ابزار اجراء آنهاست. مشکل آنست که همه پیروان خردگرای ادیان نقطه ضعف ها را دانسته و می دانند ولی اقدامی برای از میان برداشتن آنها انجام نداده و نمی دهند و دلیل آن این است که کلمه دین، و ابزار قرار دادن آن طی هزاران سال چنان ریشه عمیقی در ذهن بشر گذاشته است که فعلاً قبل از میان برداشتن موجبات نفرت دینی نمی توان با آن مقابله کرد ولی با نفرت دینی می توان مبارزه کرد و چیزی که دنیا را امروز ناامن کرده دین نیست، نفرت دینی متقابل ادیان و فرقه هاست. دوستان: تنها یک دین را نمی توان متهم کرد، خانه از پای بست ویران است، روزی در این گوشه دگر روز در گوشه ای دیگر، یکی به استناد این نوشته، دیگری به استناد آن. برای رفع مشکل جمعی اقدام مشترک همگانی خاصه پدران و مادران لازم است من و شما نیز مستثنی نیستیم هر یک از اینها بشر مالک و مسئول یک هفت بیلینیم این دهکده جهانی هستند و به قدر توانائی خویش به مصداق با پاک نمودن جلو هر خانه می توان شهر را تمیز کرد قادرند برای حفظ سعادت نسل آینده، نفرت دینی را از ذهن فرزندان پاک کنند تا دنیای حال و آینده امن و سعادت آیندگان تامین گردد.

**صلح جهانی منوط به صلح بین ادیان است** و انجام چنین صلحی نیز بدون از میان برداشتن ارثیه تنفر دینی بین ادیان، هرگز هرگز امکان پذیر نخواهد بود و کلید چنین خوشبختی نیز در دست من و شماست و هیچ روشی نیز خالی از مشکل نیست، از خود شروع کنیم تا فرزندانمان متحمل مشکلات دیروز امروز نگردند.

جواهر لعل نهرو پدر استقلال هند از زندان انگلیسی ها به دخترش نامه ای نوشت که می تواند سر مشق قرار گیرد. «فکر نکن من نژاد خودمان را برتر از دیگران می دانم، ما نیز نقاط ضعف و سیاه فراوان داریم و بسیاری از این ضعف ها زشت و شرم آور است و گرنه، امکان نداشت به این درجه از انحطاط و بدبختی سقوط کنیم.»

از آنها که دیگران را نادان می پندارند و دو دوزه بازی می کنند بگذریم. بسیارند که به دلیل پابرهنگی ریگی به کفش ندارند که از اظهار عقیده خود ابا داشته باشند و معتقدند عود را گر بو نباشد هیزم است.

زمان برای هیچکس صبر نخواهد کرد. سکوت نکنیم، فریاد کنیم قبل از آن که با سیلی محکم زمان بیدار شویم. نفرت دینی کشنده ترین میکرب مزمن ارثیه نوع بشر است از آن پیرهیزیم والدین وظیفه دارند با مطالعه کتب درسی کودکان خود، نکات منفی را از ذهن فرزندان پاک کنند و به آن ها بفهمانند اشخاص را از طریق فهمشان به سنجیم نه دینشان. چون،

بی پرده عقل دیده روشن بین نیست  
بی پیر خرد راه به هیچ آئین نیست  
تنها خرد است رهبر هر ره خیر  
آن را که به سر خرد نباشد دین نیست

ناگفته نماند پادشاه و ملکه اسپانیا Juan Carlos و Queen Sofia صوفیا در تاریخ اول اکتبر 1987 به کنیسای سفارادی لوس آنجلس آمدند و 495 سال بعد از مرگ سهراب با محبت بسیار از ملت یهود عذرخواهی کردند و مردم به هر حال ضمن قدردانی و احترام کامل قدم بسیار ارزشمند شاه و ملکه را گرامی داشتند.

اخیراً نیز طبق نوشته نشریه بین المللی اخبار جهان شماره فوریه 2013 وزیر دادگستری دولت فعلی اسپانیا آقای Albert Ruizo Callardon در شهر مادرید با حضور در مرکز یهودیان اسپانیائی (سفارادی) اعلان کرد به بازماندگان دویست هزار نفر یهودیان سفارادی که در سال 1492، از اسپانیا اخراج شده اند داوطلبانه تابعیت اسپانیا اعطا می گردد. جالب است به نوشته همین نشریه، مسلمانان اعتراض کرده اند، چرا چنین امتیازی به بازماندگان مسلمانان اخراجی داده نشده است.

خیام می گوید:

دوش گذر افتاد به ویرانه طوس  
دیدم جغدی نشسته بر جای خروس  
گفتم چه خبر داری از این ویرانه؟ گفت  
خبر این است افسوس افسوس

افسوس که هنوز نوشته های فتنه انگیز، یعنی موجبات دوگانگی ادیان، باقی و انسان ها مقلدند، مگر این که از خود شروع کنیم تا فرزندان، فارغ از هر دینی دریابند  
بنی آدم اعضای یکدیگرند  
که در آفرینش زیک گوهرند